

## انتخابات زیر آتش و دود

الف. آناهیتا

انتخابات فرمایشی عراق در میان انفجار بمب و آتش گلوله های نیروهای اشغالگر برگزار شد. خیانتهای عراق دو روز قبل از انتخابات، از مردم تهی گردید، مرزها شدیداً تحت کنترل قرار گرفت و فرودگاه ها و جاده ها بسته شد. به سختی می توان گفت که شخصی از فلوچای ویران شده در این انتخابات شرکت کرده باشد.

با حضور نیروهای اشغالگر آمریکایی در هر گوشه و کنار کشور عراق، اقدامات پیش از انتخاباتی، بیشتر شبیه به اقدامات آمادگی برای یک جنگ بود تا اجرای یک انتخابات «دموکراتیک»! شرایط امنیتی در چهار استان عراق بعلاوه بغداد (۴۰ درصد از جمعیت عراق) برای مردم انجان بد بوده است که به صراحت می توان گفت عراقیهای ساکن انگلیس و آمریکا (تقریباً ۴۰۰۰۰ نفر)، برای شرکت در این انتخابات، امکاناتی به مراتب بهتر از ۴۰ درصد از کل جمعیت عراق داشته اند.

آمریکا می کوشد این انتخابات را به عنوان انتخاباتی دموکراتیک به افکار عمومی جهان بقبولاند. اما گذشته از آن که تصمیم واقعی پیشاپیش در کاخ سفید گرفته می شود و توسط سلاح نیروهای امپریالیسم عملی می گردد، چطور می توان پذیرفت که انتخاباتی دموکراتیک می تواند در زیر آتش اسلحه، در کشوری تحت اشغال نیروهای خارجی، انجام پذیر باشد؟! در یک انتخابات دموکراتیک می بایست شرایط انجان امن و آزاد باشد که مردم بتوانند آزادانه با تمام گروه های کاندید و نامزدهای این گروه ها آشنا شده و از تصمیمات و اهداف آنان برای آینده کشور مطلع شوند. اما بر اساس گزارش خبرگزاریهای مختلف، بسیاری از نامزدهای انتخاباتی به دلیل ترس از حرکات تلافی جویانه از انتشار نام خود امتناع کرده اند، پس رای دهندگان به لیست گروه ها رای می دهند بدون اینکه بدانند نامزدهای انتخاباتی این گروه ها چه کسانی هستند!

از سوی دیگر، در انتخاباتی دموکراتیک، گروه های مخالف انتخابات نیز می بایست با استفاده از رسانه های گروهی آن کشور دلیل مخالفت خود را به مردم ابراز کنند در صورتیکه در عراق اشغال شده، رسانه های گروهی تحت امر نیروهای اشغالگر نه تنها به حذف گروه های مخالف در رسانه های گروهی مبادرت ورزیدند بلکه، بسیاری از خبرنگارهای مستقل نیز اجازه فعالیت نیافتند.

با تمام این احوال، انتخابات امپریالیسم در عراق انجام گرفت و فهرست ائتلاف عراق یکپارچه «مسلمانان شیعه» مورد حمایت سیستانی و عبدالعزیز حکیم، بیشترین کرسیهای هیات قانون گذاری را به خود اختصاص داد.

این گروه برای دست یافتن به نفوذ و تاثیر در هیات قانون گذاری، سریعاً در انتخابات شرکت کردند. آیت الله سیستانی، با یک فتوا شرکت در انتخابات را برای مسلمانان شیعه مهمتر از انجام نماز و دعا اعلام کرد. سکوت و آرامش رهبران شیعه در ابتدای اشغال عراق و سیاسی نمودن مجلس اعلاء و ده ها فاکت و نمونه دیگر، در همین راستا قابل درک است.

اکثریت مسلمانان سنی (۲۰ درصد جمعیت عراق)، این انتخابات را تحریم کردند. تحریم انتخابات توسط مسلمانان سنی برای هیات جدید قانون گذاری و در تدوین یک قانون اساسی که قرار است در تاریخ پانزدهم آگوست انجام گیرد، مشکل ایجاد خواهد کرد. اگرچه مسلمانان شیعه متوجه اند که برای تدوین یک قانون اساسی می بایست مسلمانان سنی خارج از هیات قانون گذاری را نیز به مذاکره فرا خوانند اما آنان هرگز حاضر به ترک موقعیت غالب خود که توسط انتخابات زیر لوای مولف به دست آورده اند، نیستند.

در همین راستا، نظرات گوناگونی از طرف کاخ سفید قبل از انتخابات عنوان شد. بر اساس گزارش روزنامه گاردین، ۲۷ دسامبر، مدیریت دولت آمریکا به این می اندیشد که برای خاموش کردن اختلافات آتی بین مسلمانان شیعه و سنی، تعداد مشخصی کرسی در هیات قانونگذاری به مسلمانان سنی واگذار شود حتی اگر نامزدهای انتخاباتی این گروه به درصد تعیین شده آرا دست نیابند.

امپریالیسم می کوشید تا با هر کلک و حقه ای در راستای منافع و تثبیت امپراطوری خود بر خاورمیانه، آرامش و دموکراسی مد نظر خود را حاکم سازد اما تنها چیزی که طی این مدت به ملت عراق هدیه کرده است، خونریزی، رنج و چپاول امکانات و منابع اقتصادی مردم عراق است که همچنان ادامه دارد.

صحنه سیاسی و اجتماعی عراق پیچیدگیهای فوق العاده ای دارد که در محور آن، تعداد اقوام و ملیتهای گوناگون است. اشغال عراق، اختلاف فرقه ها و گروههای قومی و مذهبی که در زمان دیکتاتوری صدام حسین زیر سطح جامعه عراق قرار گرفته بود را به صورت جراحی کهنه بیرون کشید و تشدید کرد.

امروز اقلیت مسلمانان سنی که در زمان صدام حسین قدرت داشتند، در هراسند که توسط مسلمان شیعه مورد تحقیر و

ظلم قرار گیرند و این مساله جنگ و خونریزی در عراق را تشدید می کند.

شرکت کردهای عراقی نیز در این انتخابات فرمایشی بیشتر برای به دست آوردن خودمختاری برای کردستان است چنان که بسیاری از کردهایی که در این انتخابات شرکت کردند، برگه رای غیر رسمی دیگری مبتنی بر خودمختاری کردستان در دست داشته اند.

بدون شک ساختار سیاسی جدید قادر به حل ستم ملی و مشکلات اقلیتهای ملی در عراق نخواهد بود. مهمترین عاملی که باعث شرکت و یا تحریم مردم عراق چه سنی چه شیعه در این انتخابات فرمایشی شد، رهایی از شرایط سخت و طاقت فرسای است که در طی حمله و اشغال این کشور بوجود آمده است.

بسیاری از زنان و مردان خسته از شرایط کنونی، بدون در نظر گرفتن منافع طبقاتی خود و بدون این که وابسته به این یا آن گروه باشند، برای نشان دادن انزجار و تنفر خود از اشغالگران، در انتخابات شرکت کردند و یا آن را تحریم کردند.

بر خلاف ادعای نیروهای اشغالگر مبنی بر استقرار صلح و دموکراسی در منطقه، سیاستهای جنگ طلبانه و وحشی گری به عنوان مثال استفاده از گارد ملی مسلمانان شیعه در ویران ساختن شهر فلوچا باعث تشدید اختلافات سکناریستی اجتماعات و فرقه های مذهبی در عراق شده است.

بر اساس گزارش رویتر، ۱۲ فوریه (فقط چند روز پس از انتخابات)، انفجار یک اتومبیل در شرق بغداد، یک کشته و سه زخمی به جای گذاشت. روز شنبه ۱۳ فوریه، انفجار اتومبیل حاوی بمب در محله شیعه نشین در جنوب بغداد، ۱۷ کشته و ۲۱ نفر زخمی در بر داشت.

بر اساس گزارش آمریکن آن لاین نیوز، ۱۲ فوریه، جسد دوازده تن از اعضای از گارد ملی شیعه و شش کرد در دو ناحیه از شهر موصل پیدا شده که بر روی آنها نوشته شده است، این سرنوشت کسانی است که در ویرانی شهر فلوچه دست داشتند.

بر اساس همین گزارش، دریک درگیری در موصل بین نیروهای آمریکایی و شورشیان، یک زن غیرنظامی کشته و شخصی دیگری بر اثر انفجار بمب در ناحیه دیگری از این شهر جان خود را از دست داد.

## زنان و انتخابات فرمایشی در عراق

نیروهای ائتلاف تضمین کرده اند که در هیات قانونگذاری جدید، به زنان که ۵۵ درصد جمعیت عراق را در بر می گیرند، نقشی غالب اعطا کند.

گزارشها و اخبار متعدد پیرامون وضعیت زنان عراقی که بخشهایی از

آن در قسمت «زنان در مسیر رهایی» ماهنامه نبرد خلق به چاپ رسیده است، نشان دهنده رشد فزاینده قتلهای ناموسی، کشته شدن زنان توسط گروه های ارتجاعی و نیروهای اشغال گر، رپوده شدن زنان، ادامه ندادن درس و تحصیل به دلیل ترس از گروههای مذهبی و بنیادگرا، اجبار زنان به داشتن پوشش اسلامی و... طی دوران اشغال عراق می باشد.

نیروهای اشغال گر نه تنها حرکتی جدی پیرامون سامان دادن وضعیت اسفبار زنان عراقی بعد از اشغال این کشور نکرده اند بلکه، طی این مدت در بسیاری از درگیریهایی که در سراسر عراق به طور مکرر به وقوع پیوسته، بسیاری از زنان عراقی را به قتل رسانده اند.

بر اساس گزارش «تشکل زنان عراقی برای آزادی»، درخلال شش ماه گذشته، دست کم هشت زن فقط در شهر موصل بدلیل مستقل بودن توسط فرقه و گروه های اسلامی به قتل رسیده اند.

در میان این قتلها استاد مدرسه حقوق این شهر دیده می شود که توسط گلوله به قتل رسیده و سپس سرش از بدن جدا می گردد. همچنین یک خانم دامپزشک در راه رفتن به منزل خود، توسط شلیک گلوله به قتل می رسد و خانم داروسازی نیز جلوی در منزل خویش به همین ترتیب جان خود را از دست می دهد.

بر اساس این گزارش، بسیاری از قتلهای ناموسی و قتل زنان، در پی صدور فتوای گروه های بنیادگرای مذهبی به وقوع پیوسته است.

تلاش خبرگزاریهای وابسته به انحصارات در لاپوشانی وضعیت وخیم زنان عراقی، در برابر چشم جهانیان ادعای نیروهای ائتلاف بر دادن نقش غالب به زنان را بی محتوا تر می سازد.

چگونه دولتی می تواند نسبت به ظلم و بیادار بر نبی از جمعیت عراق توسط نیروهای مذهبی بنیادگرا و نیروهای تا دندان مسلح خود بی اعتنا باشد، چگونه دولتی می تواند با حقوق زنان کشور خود و از جمله «حق کورتاژ» به صورتی کاملاً ارتجاعی مخالفت کند و باز هم چطور دولتی می تواند از طرف تشکل بین المللی مدافع حقوق زنان به ارتکاب جنایت جنگی علیه زنان متهم شود و همزمان داعیه دار تشکیل دولتی شود که گویا به زنان نقش غالب ایفا خواهد کرد؟!!

تاملی بر سخنان زنان نامزد انتخابات اخیر در عراق شاید بتواند نشان دهد که منظور امپریالیسم از دادن نقش غالب به زنان چیست و این نقش، منافع کدامین تفکر و طبقه را در بر می گیرد. بقیه در صفحه ۱۵